

بود سرمایه‌گذاری کافی در زمینه توسعه بخش بالادستی را دنبال کند. در این میان، حضور همکاران استراتژیک مانند شرکت‌های CNPC چین، LUKOIL و GAZPROM از روسیه، ONGL از هند، REPSOL-YPF از اسپانیا و PETROBRAS برزیل می‌تواند در قالب مشارکت با شرکت دولتی ونزوئلا کمبود سرمایه‌گذاری، مدیریت و فن‌آوری را جبران کند.

در این میان «ساموئل بودمن»، وزیر انرژی آمریکا گفته است هدف از ملی‌سازی‌ها این است که حرمت قراردادهای نقض شود. یکی از اقتصاددانان ارشد آژانس بین‌المللی انرژی آقای «فانتس بیرویل» نیز در تحلیل خود از اوضاع ونزوئلا گفت: «ممکن است این کشور با اقداماتی که در پیش گرفته است، نتواند سرمایه‌ خارجی لازم برای افزایش ظرفیت تولید به میزانی که بازار نیاز دارد را به دست آورد». بدیهی است اگر این اقدامات صنعت نفت ونزوئلا را تحت تأثیر قرار دهد و ظرفیت تولید آن را کاهش دهد، اولین کشوری که از این موضوع متأثر خواهد شد، آمریکا خواهد بود، زیرا به نفت وارداتی از ونزوئلا به شدت وابسته است. بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که آمریکا سعی خواهد کرد این اقدامات را در ونزوئلا متوقف سازد و یا روند آن را تعدیل کرده و آثار آن را خنثی کند.

بدون تردید اگر افزایش درآمدهای حاصل از ملی‌سازی در ونزوئلا بتواند به خدمات اجتماعی، اشتغال و بهبود استاندارد زندگی شهروندان عادی تبدیل شود، این حرکت در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین رایج خواهد شد زیرا زمینه‌های سیاسی و اجتماعی ظهور حرکت‌های مشابه در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین فراهم آمده است.

### جمع بندی

رئیس‌جمهور ونزوئلا در دور دوم ریاست جمهوری خود ملی‌سازی صنایع نفت و گاز را با سرعت بیشتری در دستور کار خود قرار داده است. این اقدامات با مخالفت مصرف‌کنندگان و به ویژه آمریکایی‌ها روبه‌رو شده است زیرا اگر ملی‌سازی، صنعت نفت ونزوئلا را تحت تأثیر قرار دهد، آمریکا به دلیل وابستگی به نفت ونزوئلا دچار مشکل خواهد شد.

بنابراین باید منتظر چاره‌اندیشی از سوی آمریکا بود. در عین حال اگر ملی‌سازی، باعث بهبود زندگی مردم ونزوئلا شود، به دلیل آمادگی اجتماعی، باید منتظر گسترش این اقدامات به سایر کشورهای آمریکای لاتین نیز بود.

نفتی در چارچوب حفظ استقلال ونزوئلا اعمال کند. ارزش سهامی که باید در اختیار شرکت دولتی نفت این کشور قرار بگیرد به ۱۵ میلیارد دلار بالغ می‌شود. منافعی که در مدت قراردادهای ۳۰ ساله از دست شرکت‌های بین‌المللی مذکور خارج خواهد شد نیز به ۱۵ میلیارد دلار خواهد رسید و در مجموع اگر بنا بر پرداخت گرامت باشد دولت ونزوئلا باید ۳۰ میلیارد دلار به شرکت‌های خارجی گرامت بپردازد. در هفته پایانی ماه ژانویه اتحادیه‌های کارگری در ونزوئلا در حمایت از پیشنهاد رئیس‌جمهور این کشور اعلام کردند اگر شرکت‌های خارجی در مقابل طرح‌های هوگو چاوز برای در اختیار گرفتن سهم عمده در این پروژه مقاومت کننده ممکن است خودشان دخالت نموده و تأسیسات مربوطه را تصاحب کنند. رئیس‌جمهور ونزوئلا نیز در اول فوریه اعلام کرد مهلت این واگذاری تا روز کارگر در اول ماه مه ۲۰۰۷ است. «رافایل رامیرز»، وزیر نفت ونزوئلا نیز گفت اگر این مهلت سپری شود، تأسیسات مربوط به این پروژه‌ها توقیف خواهد شد. کاخ سفید اعلام کرد که دولت آمریکا امیدوار است با شرکت‌های آمریکایی بر اساس موازین و مقررات بین‌المللی برخورد شود. وزارت انرژی آمریکا نیز این اقدام را ایجاد وقفه ای دانسته است که باعث دور شدن از اصول بازار آزاد و شفافیت آن می‌شود. وزارت امور خارجه آمریکا نیز در این موضوع دخالت کرد و سخنگوی آن اظهار داشت این اقدامات تأثیرات قابل توجهی به دنبال خواهد داشت و به ضرر مردم ونزوئلا خواهد بود و موجب می‌شود توسعه بلندمدت منابع طبیعی و در نهایت رشد اقتصادی این کشور دچار اختلال شود.

ونزوئلا در دو اجلاس اخیر اوپک متعهد شده است تولید خود را ۱۹۵ هزار بشکه در روز کاهش دهد. بر این اساس رئیس‌جمهور ونزوئلا به وزارت انرژی دستور داده است که تولید نفت چهار پروژه یاد شده به میزان ۱۰۶ هزار بشکه در روز کاهش یابد. تحلیلگران مسایل ونزوئلا معتقدند که دولت این کشور شرکت‌های فعال در این پروژه‌ها را تحت فشار قرار داده است تا سهام درخواستی دولت را به شرکت PDVSA واگذار کنند (جدول ۳).

به هر حال از آن جایی که شرکت‌های عمده خارجی فعال در این پروژه‌ها علاقمندند در بلندمدت به فعالیت در بخش بالادستی در ونزوئلا ادامه دهند، پیش‌بینی می‌شود که به سهم کمتر رضایت دهند اما تا زمانی که سرنوشت این واگذاری‌ها مشخص نشود آنها قطعاً از سرمایه‌گذاری‌های جدید خودداری خواهند کرد. بدیهی است دولت ونزوئلا به تنهایی در بلندمدت، قادر نخواهد

## اوپک، بازگشت به دوران اقتدار

۱۹۹۰ دو عضو خود را از دست داد و کشورهای اکوادور و گابن به ترتیب در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶ از عضویت سازمان خارج شدند. اما در اجلاس ابوجا چند کشور رسماً برای عضویت در اوپک تقاضا دادند که از این میان اجلاس وزرا، عضویت رسمی کشور آنگولا را پذیرفت و تصمیم‌گیری در مورد عضویت سودان و عضویت مجدد اکوادور را به تعویق انداخت. وجود چند تقاضای عضویت و پذیرش عضویت یک کشور جدید بعد از این دوره طولانی می‌تواند نشان‌دهنده زنده بودن و موثر بودن سازمان اوپک در دوره جهانی شدن اقتصاد باشد، علاوه بر این با توجه به مکانیزم توافق

در یکصد و چهل و سومین اجلاس فوق‌العاده اوپک که بدعوت دولت نیجریه در شهر ابوجا پایتخت این کشور تشکیل شد در کنار تصمیم سازمان در مورد کاهش تولید خود به میزان ۵۰۰ هزار بشکه از ابتدای ماه فوریه ۲۰۰۷، اتفاقات دیگری رخ داد که کمتر مورد توجه قرار گرفت.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت بیش از ۳۰ سال بود که عضو جدیدی را در جمع خود نپذیرفته بود و در واقع در این دوره تقاضای جدیدی برای عضویت در سازمان وجود نداشت و این در حالی بود که سازمان در دهه

قراردادهای مشارکت در تولید استخراج میشود و شرکتهای بزرگ نفتی آمریکا مانند: "اگزان موبیل"، "شورون"، "اکسیدنتال" و دیگران (البته در کنار بی بی و توتال) در آنجا حضور فعالی دارند، در نیمه دوم سال میلادی گذشته (۲۰۰۶) بیش از ۵۰۰ هزار بشکه از نفت صادراتی این کشور به ایالات متحده صادر شده است. بنابراین میتوان این احتمال را نیز دور از ذهن ندانست که نفوذ جناح طرفدار آمریکا در اوپک افزایش یابد.

آنگولا از ذخائر قابل توجه گاز نیز برخوردار است و بر اساس برنامه ریزیهای انجام شده از سال ۲۰۱۰ صادر کننده LNG به میزان ۵ میلیون تن در سال خواهد بود.

کشور سودان نیز یک تولید کننده جدید نفت است که تولید نفت این کشور از سال ۱۹۹۶ آغاز شده و با یک روند افزایشی در سال ۱۹۹۹ از مصرف داخلی آن سبقت گرفته و از این پس سودان به یک کشور صادر کننده نفت تبدیل گردیده است. میزان تولید نفت خام این کشور در سال ۲۰۰۵ حدود ۳۶۳ هزار بشکه بوده است که ۸۲۰۰۰ بشکه آن به مصرف داخلی رسیده و مابقی آن صادر شده است. میزان ذخائر نفتی این کشور چندان قابل توجه نیست و با توجه به بحرانهای سیاسی موجود در این کشور چشم انداز افزایش تولید نفت آن نیز چندان روشن نیست و لذا با توجه به میزان محدود تولید و صادرات عضویت آن در سازمان اوپک قدری شتاب زده به نظر میرسد و شاید به همین دلیل اوپک تصمیم گیری در این زمینه را به تعویق انداخته است.

کشور اکوادور نیز بدنبال اینکه تولید نفتش در مسیر نزولی قرار گرفت نهایتاً در ۱۹۹۲ از عضویت اوپک خارج شد اما با قرار گرفتن مجدد تولیدش در روند افزایشی طی چند سال گذشته مجدداً متقاضی عضویت در اوپک می باشد اما رشد تولید این کشور از سال ۲۰۰۴ مجدداً متوقف شده و در ۲۰۰۵ نسبت به سال قبل ثابت مانده است و متوسط صادرات این کشور در سال ۲۰۰۵ نیز کمتر از ۲۷۰ هزار بشکه در روز بوده است که در مقیاس اعضای اوپک قابل توجه نیست، علاوه بر این احتمالاً این کشور از ناحیه سابقه قبلی عضویت خود در سازمان اوپک هنوز بدهی هائی را بابت حق عضویت های معوقه دارد که باید تعیین تکلیف شود.

تصمیم مهم دیگر اجلاس ابوجا مسئله انتخاب دبیرکل بود، پس از کناره گیری دبیرکل ونزوئلایی اوپک در دسامبر سال ۲۰۰۳ که بدلیل نیاز دولت چاوز به خدمات وی، دوره دبیرکلی خود را نیمه تمام گذاشت، سازمان اوپک نتوانست بر سر انتخاب دبیرکل جدید به اجماع دست یابد و اینک پس از گذشت دقیقاً سه سال از آن تاریخ اوپک یکی از مدیران ارشد نفتی کشور لیبی بنام "عبدالله سالم البدری" را به سمت دبیرکلی برگزید. البدری در گذشته در مقطعی سرپرست وزارت نفت لیبی نیز بوده است و در سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۶ نیز ریاست سالانه سازمان را بعهدہ داشته و لذا برای اعضای سازمان و برای صنعت جهانی نفت فردی شناخته شده است و دارای شایستگی های لازم تلقی میشود. طبیعتاً خود این اجماع و نیز حضور یک دبیر کل رسمی نیز اقتدار اوپک را افزایش می دهد. ضمناً کشور لیبی نیز موفق شد که پس از حدود سی سال سمت دبیرکلی را بدست آورد که برخی تحلیلگران آنرا یکی از پادشاهی های سازش پذیری دولت لیبی و یا به عبارت دقیق تر "معمر قذافی" در مقابل ایالات متحده آمریکا ارزیابی کردند.

برگزاری اجلاس اوپک در یک کشور افریقائی، پذیرفته شدن یک کشور دیگر افریقائی به عضویت اوپک و انتخاب کاندیدای یک کشور دیگر قاره آفریقا برای سمت دبیرکلی اوپک، به نوعی تقویت موضع کشورهای افریقائی در سازمان را نیز تداعی می کند و نشان میدهد که اجلاس ابوجا برای این قاره موفقیت آمیز بوده است.

آراء، تصمیم اوپک در زمینه پذیرش یک عضو جدید نیز خود یک موفقیت به حساب می آید و انسجام اعضای سازمان را نشان میدهد، مکانیزم اتفاق آراء سالهاست که مانع دست یابی اوپک به تصمیمات استراتژیک و بلند مدت گردیده است چراکه هر تصمیم استراتژیک و بلند مدتی کافی است با منافع ملی تنها یکی از اعضای سازمان در تطابق کامل نباشد تا این عضو به آن رای ندهد. پذیرش یک عضو جدید نیز به هر حال یک تصمیم بلند مدت و استراتژیک است، در شرایطی که مانند نیمه دهه ۱۹۸۰ تضادهای میان اعضای سازمان شدید باشد و قطب بندی های جدی در سازمان وجود داشته باشد، ممکن است هر جناحی پذیرش یک عضو جدید را با توجه به مواضع ملی و بویژه مواضع نفتی آن عضو، نوعی یارگیری برای جناح مقابل تلقی کند و به آن رای ندهد، بنابراین اتخاذ تصمیم جمعی اعضای در زمینه پذیرش یک عضو جدید نشان دهنده آن است که در حال حاضر تضادها و جناح بندی ها در سطح سازمان در حداقل تاریخی خود قرار دارد و این نیز مویذ اقتدار سازمان است.

کشور آنگولا طی دو دهه اخیر به جرگه تولید کنندگان نفت پیوسته و تولید و صادرات نفت خام این کشور از شیب صعودی قابل توجهی برخوردار بوده است بطوریکه متوسط تولید نفت این کشور که در سال ۱۹۸۶ تنها معادل ۲۸۰ هزار بشکه بوده است بعد از بیست سال و در سال ۲۰۰۶ به حدود ۱/۴ میلیون بشکه افزایش یافته است. بخش عمده ای از طرح های توسعه ای تولید نفت خام این کشور در آبهای عمیق اقیانوس قرار دارد که پروژه های مربوط به آن با افزایش قیمت های جهانی نفت در چند سال گذشته اوج گرفته است و لذا روند فزاینده تولید نفت این کشور در آینده قابل پیش بینی نیز تداوم خواهد داشت. بر اساس پیش بینی اداره اطلاعات انرژی آمریکا تولید نفت این کشور در سال ۲۰۰۸ با بهره برداری از بلوک های جدید واقع در آبهای عمیق، به دومیلیون بشکه در روز خواهد رسید همچنین بانک جهانی در ماه پایانی سال گذشته میلادی اعلام نمود که تولید نفت آنگولا در سال ۲۰۱۱ به نقطه اوج خود در سطح ۲/۶ میلیون بشکه خواهد رسید و در صورتیکه اکتشافات جدیدی نشود از آن پس کاهش خواهد یافت. اما نکته قابل توجه این است که مصرف داخلی نفت خام آنگولا بسیار محدود بوده و در سال ۲۰۰۶ در حدود ۶۲ هزار بشکه یعنی کمتر از ۵٪ تولید نفت این کشور را تشکیل داده است بنابراین آنگولا در بین اعضای اوپک از نظر میزان صادرات در رتبه نسبتاً بالائی قرار خواهد گرفت و سهم اوپک در صادرات نفت جهان را بخوبی افزایش خواهد داد. همچنین آنگولا بعد از نیجریه دومین کشوری است که اوپک را به نفت آبهای عمیق اعماق اقیانوس وصل می کند.

انگیزه های کشور آنگولا در پیوستن به سازمان اوپک قابل بررسی است اما در هر حال قطعاً این کشور در کنار هزینه ها و محدودیت های عضویت منافع و فرصت هائی را برای خود متصور داشته است، قرار داشتن در کلوب بازی و اطلاعات نفت و یافتن فرصت و موقعیت تاثیرگذاری بر بازار و قیمت های جهانی نفت که از این پس برای این کشور تعیین کننده خواهد بود حداقل منافع است که برای این کشور میتواند مطرح باشد. کشور توسعه نیافته ای مانند آنگولا علی الاصول به سرعت به درآمدهای نفتی خود وابسته خواهد شد و از این جهت ساختار و منافع اقتصادی این کشور کم و بیش مشابه دیگر اعضای اوپک خواهد بود اما در هر حال باید توجه داشت که با توجه به مکانیزم موجود تصمیم گیری در سازمان اوپک (اتفاق آراء) اضافه شدن هر عضو جدید حصول به تصمیمات جدی، بلند مدت و مهم را خصوصاً در مقاطع بحرانی، دشوارتر خواهد نمود.

علاوه بر این باید توجه داشت که تولید نفت آنگولا عمدتاً تحت